

## پرچم دیپلماسی را بالا نگاه داریم

ایران می‌تواند همزمان تهدید قبلی خود برای متوقف کردن اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را عملی کرده اما درست مانند طرف مقابل پرچم فرصت دادن به دیپلماسی و گفت‌وگو را بالا نگاه دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سارا معصومی در یادداشتی نوشت:

ایران و ایالات متحده آمریکا در روزهای سخت تصمیم‌گیری قرار دارند. توافق هسته‌ای همچنان برای تهران تنها دریچه برای رفع تحریم‌های اقتصادی است و همین برجام برای آمریکا حکم ابزاری کارآمد در راستای محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حفظ نظارت بر آنها را دارد. ایران و آمریکا می‌گویند هیچ تماس دیپلماتیکی میان دو کشور وجود ندارد و در چنین شرایطی مسوولیت هرگونه میانجی‌گری یا پیام‌رسانی با بازماندگان در برجام است. بازماندگانی که در چهار سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ به هر ابزاری برای حفظ توافق روی آوردند تا بتوانند با روی کار آمدن رییس‌جمهوری جدید در کاخ سفید برجام را دوباره به ایستگاه اجرا بازگردانند.

دولت جو بایدن سرانجام از روز چهارشنبه هفته گذشته از موضع‌گیری‌های صرفاً شفاهی اندکی فاصله گرفته و با دو اقدام عقب‌نشینی از فعالسازی مکانیسم ماشه در شورای امنیت سازمان ملل متحد و رفع محدودیت‌ها بر رفت و آمدهای دیپلمات‌های ایرانی در نیویورک تمایل خود را برای گفت‌وگو درباره برجام نشان داده است. مقام‌های متفاوت کابینه جو بایدن به طور مرتب مواضع واشنگتن در قبال توافق هسته‌ای و رابطه با ایران را به‌روز رسانی می‌کنند. اما اینجا در تهران سکوت سیاسی قابل توجهی حداقل در ۴۸ ساعت گذشته در جریان بوده که به نظر می‌رسد در دو مساله ریشه دارد:

۱. ایران منتظر سفر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود که شامگاه شنبه وارد تهران شد و امروز دیدارهایش با مقام‌های ایرانی را پیش خواهد برد.

۲. تهران مصمم به اجرای مصوبه مجلس شورای اسلامی در متوقف کردن اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی است اما همزمان نمی‌تواند از کنار پیشنهادهای دیپلماتیک برای گفت‌وگو ساده عبور کند. ایران چهار سال ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را با تحمل سیاست فشار حداکثری در همه زمینه‌ها پشت سر گذاشت و هر چند که فشار اقتصادی وارد شده بر مردم آن هم در روزهای شیوع کرونا قابل کتمان نیست اما صبر استراتژیک تهران و همچنین نقشه راهی که برای برداشته شدن گام‌های کاهش تعهدات برجامی کشیده شد دو دستاورد قابل توجه برای ایران داشت.

نخست آنکه تصویر ساخته شده از ایران به عنوان کشوری که فعالیت‌های هسته‌ای نظامی مخفیانه داشته و حاضر به همکاری با جامعه جهانی نیست در هم شکسته شد. افکار عمومی در سطح بین‌المللی شاهد یک سال صبوری ایران در برابر خروج آمریکا از برجام و ناتوانی بازماندگان در توافق برای جبران این خروج بود. در این بازه زمانی گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان داد که هرچند تهران از منافع اقتصادی برجام به دلیل تخلف طرف‌های مقابل محروم شده اما دست به اقدامی انتحاری و غیرقابل جبران نزده است. در نتیجه همین سیاست بود که به‌رغم فضای ضدایرانی حاکم بر رسانه‌های غربی، عمده تحلیل‌ها در چهار سال گذشته، ایالات متحده را مقصر بحران به وجود آمده در پرونده برجام دانسته و از انزوای آمریکا در نتیجه خروج از برجام سخن گفته و نوشتند.

دستاورد دوم حفظ شاکله توافق برای روزی بود که با پایان ریاست‌جمهوری ترامپ سرانجام فرا رسید. این هدف به بهترین شکل در کاهش تعهدات برجامی ایران تامین شد. بعد از یک سال صبر استراتژیک، تصمیم هیات نظارت بر اجرای برجام که اعضای آن از نهادهای مختلف سیاسی و امنیتی هستند این بود که ایران باید پاسخ بدعهدی را با بدعهدی داده و از حقوق تعریف شده برای خود در متن برجام استفاده کند. مهندسی این گام‌ها نیز به گونه‌ای انجام گرفت که طرف مقابل پیش و پس از هرگام فرصت کافی برای جبران گذشته و متوقف کردن روند آغاز شده در تهران را داشته باشد.

همزمان ایران کمیت و کیفیت فعالیت‌های هسته‌ای در هر گام از کاهش تعهدات را به گونه‌ای مدیریت کرد که فرصت هر گونه تهدید امنیتی‌سازی یا طرح ادعا درباره حرکت سریع ایران به سمت سلاح از طرف‌های مقابل گرفته شود. مهم‌ترین تصمیم ایران پرهیز از ایجاد تغییر در اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی بود که در حقیقت یک تیر با دو نشان بود: حساسیت روسیه و چین در این خصوص در نظر گرفته شد و همچنین سه کشور اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌توانستند ادعای کور شدن نظارت بر وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مطرح سازند.

در سایه این دو دستاورد است که امروز ایران در بزنگاه سخت تصمیم‌گیری قرار گرفته که بازی دقیق و کاملاً حساب شده با کارت‌های در اختیار را می‌طلبد. اصرار تهران بر لغو تمام تحریم‌هایی که دونالد ترامپ وضع کرده بود پیش از بازگشت ایران به تعهدات برجامی با توجه به اثبات بدعهدی طرف‌های مقابل، خواسته‌ای برحق و منطقی است. همزمان بازگشت اتحاد به جبهه سه کشور اروپایی حاضر در برجام و آمریکا به علاوه قدرت رسانه‌ای این جریان برای فضا سازی کار را برای ایران سخت کرده است. در سه روز گذشته، همزمان با اظهار نظر مقام‌های متفاوت امریکایی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی درباره قرار گرفتن توپ در زمین ایران برای بازگشت به برجام، بازوهای رسانه‌ای این کشورها نیز افکار عمومی را به این سمت هدایت کرده‌اند که فضا برای توسل به چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی در پرونده برجام مهیا شده و این ایران است که به پیشنهاد غیرمستقیم وزیر خارجه آمریکا برای حضور در نشستی مشورتی پاسخ نداده است.

طرف مقابل صرفاً به این فضا سازی‌های سیاسی و رسانه‌ای اکتفا نکرده و خوراک لازم برای متهم کردن فنی ایران را هم فراهم کرده است. در حالی که رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای دومین بار در ۶ ماهه گذشته راهی تهران می‌شود تا با علی‌اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی و سایر مقام‌های ایرانی چند و چون توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی از روز ۵ اسفند ماه را بررسی کند، خبرگزاری رویترز اتهام جدیدی را متوجه ایران کرده است.

این خبرگزاری به نقل از منابع ناشناس مدعی شد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دو سایت هسته‌ای ایرانی که پس از ماه‌ها از آنها بازرسی کرده ذرات اورانیوم پیدا کرده است. هر چند که ایران این ادعا را رد کرده اما به نظر می‌رسد که طرح این مساله در آستانه سفر گروسی به تهران با هدف تحت فشار قرار دادن ایران و امتیازگیری صورت گرفته است. زمانی که این ادعا را در کنار عزم تهران برای کاستن از سطح بازرسی‌ها از تاسیسات هسته‌ای قرار دهیم می‌بینیم که طرف مقابل تلاش می‌کند برنامه هسته‌ای ایران را مشکوک به قرار گرفتن در مسیر نظامی جلوه بدهد.

بررسی واکنش سایر کشورها به رایزنی‌ها و موضع‌گیری‌های سه کشور اروپایی و آمریکا در چند روز اخیر نشان می‌دهد که چه این تحولات را نمایش سیاسی و تلاش برای تغییر بازی بدانیم و چه آن را گام هر چند ناکافی اما مثبت در مسیر احیای برجام اما با استقبال کشورهای چین و روسیه و چین همراه شده است. هر چند که زمین برجام در نتیجه بدعهدی طرف‌های مقابل لغزنده شده بود اما ادعای امریکای بایدن برای توسل به دیپلماسی، گام‌های سیاسی حساب شده از ایران را می‌طلبد. ایران می‌تواند همزمان تهدید قبلی خود برای متوقف کردن اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را عملی کرده اما درست مانند طرف مقابل پرچم فرصت دادن به دیپلماسی و گفت‌وگو را بالا نگاه دارد.

جو بایدن هرچند که جانشینی متفاوت از دونالد ترامپ به حساب می‌آید اما همزمان که در ۳۰ روز گذشته سیاست فشار حداکثری علیه ایران را ادامه داده در سه روز گذشته توسل به دیپلماسی حداکثری را به نمایش گذاشته است. ایران نیز می‌تواند در واکنش به این اقدام، همزمان با تداوم اجرای سیاست مقاومت حداکثری، به استقبال از راهکارهای دیپلماتیک بپردازد.

منبع: اعتماد